

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۳

صفحات: ۱۰۷-۱۰۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۵/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۰

نقش زنان در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ «جمهوری یمن»

سمیره جزبای*
محمد رضا علم**

چکیده

جامعه بین الملل در سال ۲۰۱۱ ناظر بر مجموعه ای از خیزش‌های مردمی در منطقه خاورمیانه بوده است. در این تحولات، جهانیان شاهد حضور زنان در عرصه عمومی بودند؛ یکی از کشورهایی که در آن زنان نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای را در پیشبرد این خیزش‌ها ایفا نمودند، «جمهوری یمن» می باشد. حضور این قشر در تحولات این کشور به حدی قابل توجه بوده است که برخی از رسانه‌ها و تحلیل گرایان قیام‌های مذکور را «جمعه خونین»، «روز خشم» یا «روز سرنوشت» می نامیدند. در این راستا رویکرد اصلی پژوهشگر مقاله تحلیلی - توصیفی می باشد؛ که نقش زنان خاورمیانه را در جنبش‌های اخیر را با تکیه بر کشور یمن مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می دهد که با توجه به حاکم بودن نظام دیکتاتوری تا قبل از تحولات در یمن و فقیر بودن این کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه، زنان کشور مزبور با خیزش تحولات سیاسی - اجتماعی ۲۰۱۰، همواره پا به پای مردان، به اشکال مختلف چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم در میدان‌های مبارزه حضور خود را به جامعه بین الملل نمایان نمودند. که این امر نمونه ای از ارتقای سطح مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان می باشد.

کلید واژگان: جنبش‌های اجتماعی، زنان، خاورمیانه، جمهوری یمن.

دانشجوی کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علوم و تحقیقات خوزستان، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)
www.smerah.hzbave@yahoo.com

**دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز.

مقدمه

اواخر سال ۲۰۱۰ در خاورمیانه و شمال آفریقا جریان‌هایی در سیستم سیاسی و اجتماعی منطقه صورت گرفت؛ که برای بسیاری از مردم منطقه و ناظران خارجی قابل تصور نبود و یا بسیار دور دست به نظر می‌رسید (مقصودی و حیدری: ۱۳۹۰: ۲-۴۱). این تحولات از مهمترین و بحث برانگیزترین اتفاقات حادث در محیط بین‌الملل به شمار می‌آیند. تحولاتی که جرقة آن در کشور آفریقایی تونس زده و پس از سرنگونی رئیس‌جمهور این کشور، با سرعت عجیبی به دیگر نواحی منطقه مانند مصر، لیبی، بحرین، یمن و چند نقطه دیگر تسری یافت. تا جایی که ظرف چند ماه دومینویی از خیزش‌ها و اعتراضات در خاورمیانه شکل گرفت و ملت‌ها به عنوان بازیگران اصلی این حوادث، برای سرنگونی رژیم‌های استبدادی حاکم بر کشورهایشان به پا خاستند (سعیدی: ۶۸، ۱۳۹۰).

در این راستا رکورد روندهای حضور اجتماعی زنان در سده‌های پیش از اسلام بویژه در سده‌های میانی موجی از جنبش‌ها و نهضت‌های مساوات طلبانه زنان و مردان را در قالب مفاهیم فمینیستی در پی داشت که با افراط و تفریط‌هایی مواجه گشت (عیوضی و کریمی: ۱۳۹۰: ۱۳۲). اما با شروع تحولات در جهان عرب، موسوم به بیداری اسلامی، زنان نقش خود را بیش از پیش نمایان کردند. نگاه اجمالی به تصاویری که از تظاهرات مردم در کشورهای عربی پخش می‌شود؛ به خوبی این نکته را تصدیق می‌کند که زنان در تحولات اخیر نقش بی‌بدیلی داشتند. در این میان در بین کشورهایایی که در این تحولات غوطه ور شد؛ یمن است. جمعیت زنان این کشور بعد از بحرین نقش تاثیر گزار و تعیین کننده‌ای را در این تحولات داشتند. در این راستا هدف این نوشتار بررسی نقش زنان یمن در استمرار تحولات کشور خود می‌باشد.

جنبش‌های اجتماعی^۱

جنبش اجتماعی یکی از مهمترین اشکال رفتار جمعی است که تعداد کثیری از مردم در آن فعالانه مشارکت می‌جویند. این پدیده در اغلب نوشته‌ها با عنوان رفتار جمعی مورد بحث قرار می‌گیرد اما در اصل با سایر رفتارهای جمعی تفاوت اساسی دارد. رفتار جمعی معمولاً به روش فکری، احساسی و اعمال بخش چشمگیری از مردم که نسبتاً خود به خود صورت می‌گیرد و از طرح و الگوی خاص پیروی نمی‌کند، اطلاق می‌شود و برخلاف یک جنبش اغلب بی‌برنامه، بی‌هدف، سازمان یافته و عاری از ایدیولوژی است (رابرتسون^۲، ترجمه پولادی، ۱۳۸۰: ۵۵۷).

آنتونی گیدنز^۳ جامعه‌شناس انگلیسی جنبش‌های اجتماعی را از جمله اشکال کنش جمعی برای دستیابی به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه تعریف کرده است و بیان می‌کند که جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از

۱. Social movements.

۲. Robertson

۳. Anthony Giddens.

طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد (گیدنز، ترجمه صبوری، ۱۳۷۶؛ ۶۷۱). گگی روشه^۱ جامعه شناس و پژوهشگر حقوق عمومی دانشگاه مونترال آمریکا معتقد است جنبش های اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع، گسترش و یادست یابی به هدف های خاص به گروه بندی و تشکیل اعضاء می پردازد (روشه، ترجمه وثوقی، ۱۳۸۰؛ ۱۶۴). تیلی^۲ (۱۹۹۹) جنبش های اجتماعی را کنش عده ای با هم برای رسیدن به منافع مشترک تعریف نموده و آن را ناشی از ترکیب های متحول منافع، سازمان، بسیج و فرصت می داند. در مجموع می توان گفت این پدیده رفتار و اقدام جمعی مجموعه ای از افراد جامعه است که برای تبلیغ و نهایتاً عملی ساختن تغییر و جلوگیری از تغییر در جامعه و یا پاره ای از آن یعنی در بین گروه یا عده ای خاص از افراد جامعه، بسیج شده و به اقدام مبادرت می ورزند.

تحولات سیاسی - اجتماعی در کشورهای خاورمیانه

منطقه خاورمیانه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود و نیز ویژگی های دینی و مذهبی، جمعیتی، سرزمینی نظامی و منابع طبیعی ارزشمند در ازای تاریخ همواره کانون توجه دول بیگانه و قدرتهای استعماری بوده است. این منطقه به واسطه موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و وضعیت سیاسی حاکم بر آن، عنصر مهم و تاثیر گذار به معادلات بین المللی محسوب می شود و همواره صحنه نفوذ و منازعات قدرت های بزرگ عرصه بین الملل بوده و میزان حضور در این منطقه یکی از عوامل مهم در تعیین میزان قدرت جهانی و موقعیت بین المللی قدرت های بزرگ در عرصه رقابت جهانی بوده است (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۰؛ ۹۰).

در این بین اواخر سال ۲۰۱۰ جامعه بین الملل شاهد خیزش هایی از سوی مردم در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بود؛ که کمتر محقق، تحلیل گر و ناظر بر مسائل منطقه ای تصور می کرد این حرکت های مردمی، بدین سرعت و به صورت زنجیره وار به سقوط رژیم های خودکامه کشورهای منطقه منتهی شود. برای تحلیل تحولات سیاسی - اجتماعی کشورهای خاورمیانه از دید جامعه شناسی سیاسی، مهمترین عامل در این خیزش ها عنصر حضور مردم به طور اعم و زنان به طور اخص از طبقات مختلف جامعه بوده که نقش تعیین کننده ای در روند شکل گیری تحولات مذکور را ایفا نموده اند (محمودیان، ۱۳۹۱؛ ۱۰۴). این منطقه که موجی از ناآرامی های مردم علیه نظام های سیاسی حاکم خود، ابتدا در تونس شکل و سپس ظرف اندک زمانی به نواحی دیگر منطقه مانند لیبی، مصر، یمن و بحرین نیز سرایت کرد. توده های مردم منطقه که از وضع موجود ناراضی با اتخاذ شعارهای مشابهی از قبیل: «آزادی، عدالت اجتماعی و سرنگونی دولت های استبدادی» را که سال هاست با اتکا بر قدرت های غربی از شرایط نظامی و امنیتی در جامعه به اعمال حاکمیت نامساوی می پردازد، خواستار شدند. بدین ترتیب ملت همواره خود را به عنوان متغیر مستقل تحولات معرفی و با اقدامات و فعالیت های بارز تلاش خود را در روند شکل گیری،

۱. Gay Roche.

۲. Tilly Jona than.

تداوم و به ثمر رساندن این اعتراضات تلاش نمودند. و در نهایت گستره وسیعی از منطقه خاورمیانه در کمال ناباوری طی چند ماه دستخوش بحران و آشوب‌های عمیق سیاسی گردید (سعیدی، ۱۳۹۰: ۷۸).

نقش زنان در تحولات یمن در سال ۲۰۱۰

در پی گسترش خیزهای سیاسی - اجتماعی کشورهای خاورمیانه، یمن از این قاعده مستثنی نماند و خیل عظیم مردم از جمله زنان این کشور از طبقات، اقشار و قبایل مختلف ناراضیتی خود را از وضع موجود با شعارهای «الشعب يريد اسقاط النظام» بیان می کردند (ابو جامع، ۲۰۱۳: ۴۴۱).

عمده جریان‌های اعتراض آمیز این اقشار در میدان‌های بزرگ یمن از جمله «صنعا» و «تعز» برگزار می شد. در این میان مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان همپای طبقات مختلف در این کشور با توجه به حاکم بودن نظام دیکتاتوری گسترده و خواستار برپایی حکومت‌های مردمی و اسلامی شدند (ابو جامع، ۲۰۱۳: ۴۴۲).

واقعیت امر این است که جنبش‌های اخیر موجب شد زنان مسلمان با بازیابی جایگاه واقعی و ممتاز خویش نقش سازنده و بالایی در این تحولات را ایفا کردند. در این بین برای اثبات مدعا می توان به نقش «توکل عبدالاسلام کرمان» فعال برجسته یمن اشاره کرد. کرمان در طول دوره تحولات تا برکناری علی عبدالله صالح به «مادر انقلاب» معروف شده بود. وی با تشویق و راهنمایی کردن زنان، آنها را به عرصه میدان مشایعت می کرد. در این میان توکل عبدالاسلام کرمان، رژیم دیکتاتوری علی عبدالله صالح را با حضور زنان در عین پوشش کامل و حجاب اسلامی، فلج می کرد. گزارشات منتشر شده در رسانه‌ها گواه صادق و روشنی بر این مدعاست (تقریر مشروع الرصد لصورة المرأة و الرجل في الثورة الیمنیة، ۲۰۱۱: ۷۷). جای انکار وجود ندارد اگر در رژیم سابق زنان مسلمان عملاً در حالتی از سکوت و انزوا قرار داشتند؛ اما در طول این تحولات این قشر از رخوت سابق خارج و با تمام تلاش خود در خدمت اهداف انقلاب قرار گرفتند و در نهایت آنان با اخذ هویت اسلامی و انقلابی نقش فعالی را در جامعه «پسادیکتاتورسیم»^۱ ایفا نمودند. عبدالاسلام در این باره اینگونه بیان می کند که زنان مسلمان عرب نقش بزرگ، موثر و تاریخی را ایفا نمودند. زنان در تونس، یمن و لیبی نه تنها در صحنه انقلاب حاضر شدند، بلکه گاهی شعله اعتراض به دست آنها افروخته می شود.

در این میان حضور زنان در جنبش سیاسی اجتماعی یمن را به سه گونه ذکر کرد:

۱. حضور مستقیم: این حضور از طریق مشارکت بسیجی وار، جمعی و خود جوش در عرصه اجتماع صورت می گیرد. این نوع مشارکت در دو سطح شکل می گیرد.

الف) سطح عمومی: مشارکت در این سطح می تواند به صورت شرکت در تجمع‌ها، گردهمایی‌ها و تظاهراتی باشد که همسطح با مردان صورت می گیرد، باشد.

ب) سطح نخبگان: مشارکت در این سطح می تواند از طریق پذیرش مسئولیت‌های اجرایی، سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی باشد؛

در ذیل می توان به فعالیت‌های مستقیم و بارز «توکل عبدالاسلام کرمان» اشاره کرد.

۱. Post Dyktatvrysm

۱-۱: ایجاد وحدت رویه در میان زنان یمن در طول مبارزات سیاسی - نظامی بدون پیش داوری های دینی و قبیله ای.

۱-۲: تلاش جهت انجام وظایف و دستاوردها همراه با تعهد به عبادت و انجام امور دینی و وظایف اجرایی در هدایت فعالیت های سیاسی - اجتماعی زنان.

۱-۳: اداره و نقش آفرینی سازمانی تحت عنوان « زنان روزنامه نگار رها از بند »^۱. در نهایت در سال ۲۰۱۱ توکل عبدالسلام کرمان در پی فعالیت های بی شمار وی در این سازمان به عنوان « فمینیست »^۲ از سوی پایگاه « پایگاه وست هند فمینیست »^۳ انتخاب و با اخذ جایزه نوبل^۴ نخستین زن عرب، که این جایزه را دریافت نموده است شناخته شد.

۱-۴: رهبری و اداره نمودن فعالیت های سیاسی، اجتماعی و نظامی زنان در یمن. که در نهایت کرمان با عنوان « انقلابی ترین زن تاریخ » از سوی مجله تایمز^۵ انتخاب و نشان « شجاعت » به وی اعطا شد.

۱-۵: عضو شورای مرکزی « تجمع برای اصلاح یمن »^۶ (غانمی، ۲۰۱۱: ۳)

۲. حضور غیر مستقیم: مشارکت در این حضور از طریق نفوذ سیاسی و پشتیبانی از همسران، پدران، فرزندان و برادران صورت می گیرد. می توان گفت که زنان در این نوع مشارکت بیشتر حضور معنوی خود را ایفا می کنند. در ذیل به می توان به انواع این مشارکت اشاره کرد.

۲-۱: پرورش فرزندان و مردان انقلابی.

۲-۲: نقش آفرینی، تشویق و حمایت فرزندان، همسران و والدین خود برای مبارزه.

۲-۳: صبر، شکیبایی، مساعدت و تحمل مشکلات ناشی از مبارزه.

۳. حضور مجازی: زنان در این حضور از طریق شبکه های اجتماعی از قبیل اینترنت، فیس بوک^۷ و تویتر^۸ فعالیت های خود را اجرا می کردند. در ذیل به برخی از فعالیت های زنان در این نوع مشارکت می پردازیم.

۳-۱: راه اندازی سایت اجتماعی فیسبوک توسط یلدا از تونس، دالیا حیدر از لبنان، فرح برقاوی از فلسطین و سالی ذهنی از مصر. در این سایت دهها هزار زن از تمامی کشورهای خاورمیانه، آمادگی خود را جهت شرکت در تظاهرات، راهپیمایی ها و گردهمایی ها را با شعار « حمایت تام از زنان محروم در جهان عرب: استقلال، آزادی و امنیت »^۹ اعلام می کنند. در این راستا « ساره فعال یمنی » با اعلام آمادگی

۱. مؤسسه صحفیات أفرج من السجن.

۲. Feminist

۳. West onlie Feminist

۴. Nobel Prize

۵. Newspaear Timee

۶. الجمعية الاصلاح الیمنیة.

۷. facebook

۸. Twittr

۹. حماية المرأة المحرومة في العالم العربي: الاستقلال، الحرية و الأمن.

خود برای شرکت این نوشته را برای کاربران به جای گذاشت.
 « بنده با مشارکت زنان در تحولات اخیر در جهان عرب موافقم و می بایست به زن آزادی بیان و استقلال داد».

پیامد مثبت مشارکت سیاسی زنان در تحولات اخیر

وقوع، حدوث و شکل گیری هر گونه تغییر و تحول در جامعه در هر برهه از زمان، خود به خود پیامد هایی را نیز به دنبال دارد. حال ممکن است نتایج بدست آمده مثبت باشد یا منفی؛ بستگی به اهداف از پیش تعیین شده توسط ملت ناراضی از وضع موجود باشد. در این راستا همانگونه که قبلاً ذکر شد در پی شکل گیری تظاهرات تسلسلی در کشورهای خاورمیانه و ایفای نقش زنان فعال در این جنبش ها پیامد های مثبتی را نیز بر این قشر گذاشت که به شرح ذیل می باشد.

- تغییر نگرش نسبت به جایگاه زنان در کشورهای عربی و حذف و باورهای ارتجاعی در پی فعالیت های بارز آنان.

- اعطای توانایی به زنان در سازماندهی و تشکیل احزاب، سازمان ها و انجمن ها.
 - در اختیار گرفتن موقعیت های سیاسی و اجتماعی.
 - بازیابی هویت اسلامی خود همراه با ارزش های انقلابی.
 - اعطای آزادی بیان و استقلال به زنان جهت نمایان کردن اعتراض های خود نسبت به حکومت های مستبد

نتیجه گیری

جنبش های سیاسی - اجتماعی سال های اخیر خاورمیانه پیچیده تر از آن اند که بتوان آنها را در قالب واحدی تبیین کرد. دلیل این امر آن است که عوامل و پارامترهای تعیین کننده علل شکل گیری و حضور، متعدد می باشد. در این بین با توجه به آنچه که گفته شد یکی از عوامل تکوین و تحقق این تحولات، حضور فعال زنان است. در این میان شواهد گوناگونی از قبیل تصاویر، رسانه و تحلیل های مختلف دلیل بر امر مدعاست. در این راستا انواع مشارکت های سیاسی زنان و به طور اخص در « جمهوری یمن » گواه این را دارد که زنان یکی از مهمترین مؤلفه های مؤثر و محرک این تحولات به شمار می روند. حضور گسترده و البته مؤثر که از زنان صدر اسلام همراه با ارزش های اسلامی الهام گرفته است؛ هویت اسلامی و انقلابی زنان در کشورهای عربی - اسلامی را احیا و باز تولید کرده است.

در این راستا جهت ارتقا بخشیدن به سطح مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در کشورهای خاورمیانه پیشنهاداتی را می توان ارائه داد مانند:

- تشکیل انجمن های گسترده زنان با ماهیت اسلامی،
 - به کار گیری رسانه های گروهی، برگزاری کلاس های مجازی و کارگاه ها در به تصویر کشیدن فعالیت های زنان در طول تحولات مذکور برای زنان دیگر،

- تقویت نشست های عالمانه اسلامی از سوی انجمن های زنان، و ایجاد دبیرخانه یا سازمان دائم و همچنین تشکیل بانک جامع اطلاعات درباره فعالیت های سیاسی اجتماعی زنان.

منابع

- اکبری کریم آبادی، نورالدین. (۱۳۹۰). تبیین قیام اسلامی در کشورهای عربی از منظر تئوری انقلاب، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم سال، نهم، شماره ۲۹، پائیز.
- ابو جامع، نسیم حسن. (۲۰۱۳). اثر ثورات الربیع العربی علی اتجاهات الاستثمار المباشر فی دول العربی و کیفیة الاستفادة منها فلسطیناً، مجلة الجامعة الاسلامیة للدراسات الاقتصادية و الاداریة، المجلد الحادی العشرون، العدد الأول، ینایر.
- تقرير مشروع الرصد لصورة المرأة و الرجل فی الثورة الیمنیة لفترة ۱ مارس الی ۳۰ ديسمبر ۲۰۱۱. مرکز وسائل الاتصال العلامیة من اجل التنمیة.
- رابر تسون، رونالد. جهانی شدن: تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، مترجم کمال پولادی. (۱۳۸۰). تهران، نشر ثالث.
- روشه، گی. تغییرات اجتماعی، مترجم: منصور وثوقی. (۱۳۸۰). تهران، نشر نی.
- سعیدی، روح الامین. (۱۳۹۰). ارائه مدلی نظری برای تحلیل قیام های مردم خاورمیانه، فصلنامه ره آورد سیاسی، شماره ۳۲، تابستان
- عیوضی، محمد رحیم و کریمی، غلامرضا. (۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکرد اسلامی، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پائیز و زمستان.
- غانمی، منیه. (۲۰۱۱). المراه و المشاركة السیاسیة، کوثر مرکز المراه العربیة و التدریب و البحوث، انقلترا.
- گیدنز، آنتونی. جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری. (۱۳۷۶). تهران، چاپ دوم، نشر نی.
- محمودیان، محمود. (۱۳۹۱). جنبش اخوان المسلمین و آینده سیاست خارجی مصر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره مسلسل ۵۵، سال پانزدهم، شماره اول، بهار.
- مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق (۱۳۹۰). بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش های عربی در خاورمیانه، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان.
- Tilly(1999).Form in terac tions to out comes in social movements. In Giugni, morco, Doug mcAdam, and Charles Tilly, eds. How social movements matter(pp.253J279)minnea polis: uni-versity of minn ensota press.

The Role Of Women In Social Political Movements In Middle East 2010 (Republic of Yemen)

S. Hazbave*
M.R. Alam**

Abstract

The international community in 2011 witnessed a set of popular uprisings in the Middle East region. In these developments, the world faced the presence of women in the public arena. One of the countries where women played an important and determining role in furthering the uprising was "Republic of Yemen". The presence of women in such development, was so significant, that some of the violent uprising media analysis called the rebels as "Bloody Friday", "Day of Rage" or "Day of Fate". In this context, the main analytical approach of the current research paper was a descriptive; that investigated the role of women in the Middle East recent movement by relying on Yemen. Research findings showed that concerning the domination of the dictatorship prior to the recent developments in Yemen and the poverty of the country compared to other countries in the region, the women, along with the men by taking part in different ways, either directly or indirectly exposed their participation in 2010 social political developments to the international community. This was an example of promoting social and political participation of women.

Keywords: social movements, women, the Middle East, Republic of Yemen.

*M. A. in Political Sciences, Department of Political Sciences, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran. (Corresponding author, Email: www.smerah.hzbave@yahoo.com)

**Associative Professor. Ahwaz Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran

***This article adopted from Miss S merah. Hazbave M. A. Dissertation